

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

ملاحظه فرمودید فرمایش مرحوم عراقی و اشکالی که ایشان بر مرحوم نائینی وارد کردند اشکال دارد و مناقشه‌اش را عرض کردیم. اشکالی که به نظر می‌رسد بر این بیان دیگری که بر مرحوم نائینی وارد شده بود که آن را هم ذکر کنیم چون عرض کردیم نسبت به فرمایش نائینی یک اشکال، منتهی با دو بیان ذکر شده، یکی همین بیان مرحوم عراقی بود که ما جواب دادیم.

بیان دوم نقل شده در حاشیه منتقی الاصول

اما آن بیان که بیان ساده‌ای هست و در همان حاشیه‌ی کتاب منتقی ذکر شده این است که اگر کسی به مرحوم نائینی اشکال کند که شما چرا مسئله‌ی ماء قليل را مطرح نمی‌کنید؟ اینجا بگوئید اصل عدم ملاقات در ماء قليل است، بعبارت دیگر موضوع نجاست را الماء القليل قرار بدهیم، یعنی ملاقات با آب قليل، بگوئیم موضوع نجاست ملاقات با آب قليل است. الآن ما با استصحاب عدم ملاقات تا زمان کریت با این استصحاب استفاده می‌کنیم که این ملاقی با آب قليل ملاقات نکرده، یا اصلاً عنوان استصحاب را عوض کنیم بگوئیم استصحاب عدم ملاقات در صورت قلّت ماء، این استصحاب نفی نجاست می‌کند.

عرض کردم روح این بیان همان بیان صناعی است که مرحوم عراقی بیان کردند، منتهی ایشان از راه اینکه مفهوم آن جمله را نائینی اشتباه ذکر کرده وارد شد و این بیان ربطی به مسئله‌ی مفهوم ندارد، نمی‌گوید ما بگوئیم مفهوم این است و این نیست، می‌گوید ما در اینجا برای اینکه بگوئیم این آب نجس نیست، می‌گوئیم موضوع نجاست عبارت از ملاقات با آب قليل است و الآن ما شک می‌کنیم اینجا ملاقات با آب قليل واقع شده یا نه؟ اصل عدم آن است.

اشکال استاد به بیان دوم نقل شده در حاشیه منتقی الاصول

جواب این بیان ولو اینکه عرض کردم این بیان را در آن تعلیقه‌ی در منتقی ذکر کردند و شروع کردند به سه تا توجیه برای حل این اشکال، که به نظر ما اصلاً نیازی به این توجیهات که هر کدام ابرد از دیگری است نیست، یک جواب خیلی روشنی دارد و آن این است که اصلاً ما در ادله چنین چیزی نداریم که ملاقی با آب قليل موضوع برای نجاست باشد. ما در ادله روایتی نداریم که الملاقة مع الماء القليل توجب النجاسة، تا شما اینطور مطرح کنید. ما در نجاست ملاقی نجس با آب قليل فقط همین روایت الماء إذا بلغ قدر کرّ لم ینجسه شیء را داریم ما غیر از این چیزی نداریم، این روایت هم می‌گوید اگر آب کُر بود ملاقات با نجس موجب نجاست او نمی‌شود، همین.

اما ما نداریم یک روایت و دلیلی که موضوع را مستقلاً الماء القلیل قرار بدهد، بگوئیم الماء القلیل موضوع یعنی ملاقات با آب قلیل موضوع برای نجاست است و اینجا استصحاب کنیم عدم ملاقات با ماء قلیل را. جواب این اشکال همین مقدار است که ما در میان ادله چیزی نداریم که بگوئیم ملاقی نجس یا النجس الملاقی للماء القلیل یوجب النجاسة، ما هستیم و همین روایت، این روایت می‌گوید إذا بلغ قدر کرّ لم ینجسه شیء، برای طهارت این باید به اندازه‌ی کرّ باشد، اگر به اندازه‌ی کرّ باشد یعنی اگر یک آبی به اندازه‌ی کرّ شد نجسی که بیاید با این ملاقات پیدا کند موجب نجاست این نمی‌شود.

همین مقدار جواب برای همین مقدار سؤال کافی است و دیگر نیازی به یک توجیهاتی که عرض کردم ولو صاحب منتقی دو تا از این توجیهات را رد می‌کنند و سومی را می‌پذیرند، که به نظر من توجیه سوم اضعف از توجیه اول و دوم است ولی توجیه سوم را می‌فرمایند متین، نیازی به این توجیهات نیست.

اشکال به مرحوم نائینی

باقی می‌ماند یک مطلب؛ و آن اینکه کسی به مرحوم نائینی بگوید که شما چرا به مفهوم تمسک نمی‌کنی؟ مفهوم این روایت الماء إذا بلغ قدر کرّ لم ینجسه شیء این است که آب غیر کرّ ینجسه الملاقاة، مفهومش این می‌شود که ملاقات آب غیر کرّ موجب برای نجاست او هست و همین مقدار که نمی‌دانیم این آب کرّ هست یا نیست؟ همین مقدار که الآن یک نجسی آمد اینجا با این آب ملاقات پیدا کرد نمی‌دانیم این آب کرّ هست یا کرّ نیست، همین کفایت کند در عدم نجاست. برای عدم نجاست ما از همین راه مفهوم بیائیم به همان تعبیری که مرحوم عراقی ذکر کرد.

جواب مرحوم نائینی

مرحوم نائینی می‌فرماید آنچه روایت می‌گوید این است که برای طهارت باید کرّیت سابق بر ملاقات باشد، این روایت می‌گوید آب اگر کرّ بود احراز کردید کرّ هست، ثمّ ملاقات با این آب کرّ واقع شد، این موجب نجاست نمی‌شود و این آب طاهر است و چون ما با این استصحاب احراز نمی‌کنیم سابقیت کرّیت بر ملاقات را لذا نمی‌توانیم طهارت را درست کنیم و اگر نشد طهارت را درست کنیم منطوق روایت می‌گوید طهارت مقومش کرّ بودن است، مقومش ورود الملاقات علی الکریّة است اگر این برای ما محرز نشد آب عنوان نجس را پیدا می‌کند محکوم به نجاست است.

اینجا این بحث مطرح می‌شود که بگوئیم اگر یک شیئی با آبی ملاقات کرد که می‌دانیم کرّ نیست این نجس می‌شود، این مفهوم تا اینجا به درد می‌خورد ولی مورد بحث ما این است که ما نمی‌دانیم این کرّ هست یا نه؟

اشکال استاد به مرحوم عراقی و نائینی

آنچه اینجا هم باید به مرحوم نائینی گفت و هم باید به مرحوم عراقی گفت این است که ما نمی‌دانیم اینجا این کرّ هست یا نه؟ حالا اصلاً بحث را اینطوری مطرح کنیم یک ظرف آبی داریم، یا یک حوض آب داریم، یک قطره‌ی نجاستی در این آب افتاد، اگر ما ندانیم این آب از اول کرّ هست یا نیست، اینجا نمی‌گویید حکم به نجاست کنیم بگوئیم اینجا کرّ بودن احراز نشده و مقوم طهارت احراز الکریّة است، حالا که کرّ بودن احراز نشده حکم به نجاست کنیم، خود مرحوم نائینی در چنین موردی (و دیگران همه) یک حوضی اگر یک قطره نجاستی در آن قرار گرفت می‌گوئیم از اول نمی‌دانیم این کرّ هست یا نیست؟ همه می‌آیند در اینجا اصالة الطهارة را جاری می‌کنند، کسی نمی‌گوید ... یا بگوئیم اصالة عدم سببیه الملاقات للتنجیس، بگوئیم این ملاقات شک داریم که سببیت برای تنجیس دارد یا نه؟ اصل این است که سببیت ندارد.

بنا بر این، این جواب و این بیان می‌شود؛ می‌گوئیم مفهوم طبیعی و عادی این جمله این است که آبی که لا یكون کرّا نجس موجب تنجیس او می‌شود، اما لا یكون کرّا هم باید احراز شود، حالا که لا یكون کرّا احراز نشد اینجا نمی‌توانیم حکم به نجاست کنیم مثل آبی که از اول نمی‌دانیم این کُر هست یا نه؟

مرحوم نائینی در مجهول التاریخ خواستند بفرمایند استصحاب عدم ملاقات تا زمان کریت به درد نمی‌خورد، ما هستیم و استصحاب عدم کریت تا زمان ملاقات و عدم کریت تا زمان ملاقات موجب نجاست است، این فرمایش نائینی است. عرض ما این است که شما در این تمسک به الماء إذا بلغ کر لم ینجسه مفهومش این است که ما لا یكون کرّا، نه ما لا یعلم أنه کرّا، طبق کلام نائینی باید بگوئیم مفهومش این می‌شود که ما لا یعلم أنه کرّا ینجسه الملاقات، در حالی که صحیح این است که ما لا یكون کرّا و اینجا الآن نمی‌دانیم کُر هست یا نه؟ این خارج از مورد مفهوم است، نه داخل در منطوق می‌شود و نه داخل در مفهوم می‌شود، می‌آئیم سراغ اصالة الطهارة.

اشکال و جواب

یک اشکالی در ذهن بعضی از آقایان بود که مناسب است اینجا مطرح کنیم و آن اینکه یک کسی می‌گوید ما علم اجمالی داریم به اینکه اینجا ملاقات با نجس شده، چرا این علم اجمالی منجز نباشد و چرا این علم اجمالی برای ما وجوب اجتناب از این آب را نیاورد، یک آبی داریم که اول قلیل بوده و بعد کُر شده و ملاقات نمی‌دانیم اول کدام بوده؟ می‌گوئیم علم اجمالی داریم که این نجس با این آب ملاقات پیدا کرده همین علم اجمالی برای ما منجزیت می‌آورد و بگوئیم بایستی احتیاط کنیم اینجا احتیاط کنیم اصلاً کاری به این آب نداشته باشیم.

پس ما اینجا در مجهول التاریخ نظر خودمان را هم ذکر کردیم، دو مورد دیگر باقی می‌ماند که هم نظر نائینی را باید بگوئیم، مرحوم آقای خوئی اشکالاتی دارد، آقایان هم فوائد الاصول جلد 4 صفحه 522 به بعد را ببینند و هم مصباح الاصول مرحوم آقای خوئی جلد 3 صفحه 198 را ببینند که ایشان اینجا اشکالاتی به استادشان مرحوم نائینی دارند.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين